



پیام باستان‌شناسی

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۷، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



بررسی روشمند نواحی جنوبی استان قم: الگوی استقراری محوطه‌های باستانی دوران تاریخی

نسیمه یوسفوند^۱، محمدرضا سعیدی هرسینی^۲، بهمن فیروزمندی^۳

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان و مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

saeedi@samt.ac.ir

۳ استاد تمام و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
بررسی روشمند باستان‌شناسی با هدف تحلیل محوطه‌ها و محیط پیرامون آن‌ها می‌تواند در حصول درک و شناختی جامع از توالی فرهنگی و روند جمعیتی یک ناحیه ثمربخش باشد. این پژوهش، حاصل تحلیل داده‌های حاصل از یک بررسی میدانی روشمند در نواحی جنوبی دشت قم است که با هدف شناسایی الگوهای استقراری دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) انجام شده است. در این پروژه، محدوده‌ای به وسعت تقریبی ۳۳۰ کیلومتر مربع مورد پیمایش قرار گرفت که به شناسایی ۵۴ محوطه باستانی منجر شد؛ از این میان، ۴۱ محوطه دارای شواهد فرهنگی متعلق به دوران اشکانی و ساسانی بودند. نتایج نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های محیطی و آسیب‌پذیری زیست‌محیطی منطقه، الگوی استقراری غالب بر یک نظام معیشتی نیمه‌یکجانشین مبتنی بر دامداری و کشاورزی محدود استوار بوده است. تحلیل گاه‌نگاری محوطه‌ها آشکار می‌سازد که اوج تراکم استقراری و شکوفایی فرهنگی در این ناحیه، در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی رخ داده است. این بازه زمانی با دوره بهینه اقلیمی رومی هم‌پوشانی دارد که نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده شرایط اقلیمی در شکل‌گیری و تداوم الگوهای استقراری در جنوب دشت قم است.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹ واژگان کلیدی: دشت قم بررسی باستان‌شناسی الگوی استقراری دوران تاریخی اشکانی ساسانی

* استناد: یوسفوند، نسیمه، سعیدی هرسینی، محمدرضا، فیروزمندی، بهمن (۱۴۰۴). بررسی روشمند نواحی جنوبی استان قم: الگوی استقراری محوطه‌های

باستانی دوران تاریخی. پیام باستان‌شناسی، ۱۷(۳۳)، ۱-۱۶.

<https://doi.org/10.71794/PEB.2026.1222990>

۱. مقدمه

دشت قم به عنوان بخشی از فلات مرکزی ایران، از دیرباز به دلیل موقعیت راهبردی خود در اتصال نواحی فرهنگی مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این منطقه با اقلیم عمدتاً خشک و نیمه‌بیابانی، چشم‌اندازهای متنوعی از دشت‌های آبرفتی تا نواحی کوهستانی را در بر می‌گیرد (فریفته، ۱۳۶۶). این ویژگی‌های جغرافیایی و محیطی، چارچوب اصلی تعاملات انسان و محیط را در طول تاریخ شکل داده و الگوهای استقرار منحصربه‌فردی را پدید آورده است (کردوانی، ۱۳۵۸).

با وجود اهمیت جغرافیایی و تاریخی این ناحیه، الگوهای استقرار دوران تاریخی آن، به‌ویژه در نواحی جنوبی، کمتر مورد پژوهش روشمند قرار گرفته است (سرلک، ۱۳۹۰). بسیاری از مطالعات پیشین یا بر محوطه‌های منفرد متمرکز بوده‌اند (پوربخشنده، ۱۳۸۲؛ فهمی، ۱۳۸۳) و یا به دوره‌های پیش از تاریخ پرداخته‌اند (سرلک و عقیلی نیکی، ۱۳۹۴). بنابراین، هدف اصلی این مقاله، ارائه یافته‌های حاصل از یک بررسی میدانی باستان‌شناسی روشمند است که با تمرکز بر شناسایی، توصیف و تحلیل محوطه‌های دوران اشکانی و ساسانی در جنوب دشت قم انجام شده است. این پژوهش در پی بازسازی الگوی استقرار منطقه و درک عواملی است که در شکل‌گیری و تحول آن مؤثر بوده‌اند. در حالی که عوامل محیطی و اقلیمی به عنوان بستر اصلی این تحولات در نظر گرفته می‌شوند (شیخ بیکلو اسلام، ۱۴۰۱)، تمرکز این نوشتار بر ارائه و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده از بررسی میدانی است.

این پژوهش مبتنی بر یک بررسی روشمند میدانی است که ناحیه‌ای به وسعت تقریبی ۳۳۰ کیلومتر مربع را پوشش داده و به شناسایی ۴۱ محوطه متعلق به دوران تاریخی منجر شده است (سرلک، ۱۴۰۲). روش‌شناسی پژوهش شامل پیمایش منظم، جمع‌آوری نظام‌مند داده‌های سطحی، به‌ویژه قطعات سفال به منظور تاریخ‌گذاری نسبی (اتابکی، ۱۳۸۷)، و استفاده از تکنیک‌های سنجش از دور و تصاویر ماهواره‌ای برای درک بهتر چشم‌انداز و موقعیت محوطه‌ها بوده است (Alexakis et al., 2012; Casana,).

۲۰۲۱). ساختار این مقاله به ترتیب شامل معرفی روش‌شناسی، ارائه یافته‌های عمومی و توصیف محوطه‌های شاخص، و در نهایت نتیجه‌گیری از داده‌های تحلیل‌شده خواهد بود. این پژوهش می‌کوشد تا با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی، تصویری روشن از نحوه استقرار جوامع انسانی در دوران اشکانی و ساسانی در این بخش از فلات ایران ارائه دهد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷؛ لباف خانیکی، ۱۴۰۳).

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای استقرار دوران تاریخی، از یک رویکرد روشمند مبتنی بر پیمایش میدانی نظام‌مند بهره برده است. برای اطمینان از پوشش جامع منطقه و درک بهتر ارتباط فضایی میان محوطه‌ها و چشم‌انداز طبیعی، این روش با استفاده از تکنیک‌های سنجش از دور و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای تکمیل گردید.

الف) پیمایش میدانی و جمع‌آوری داده‌ها

پیمایش میدانی به صورت سیستماتیک در محدوده‌ای به وسعت تقریبی ۳۳۰ کیلومتر مربع در نواحی جنوبی دشت قم به اجرا درآمد. در این فرآیند، گروه‌های پیمایش با حرکت منظم در سطح منطقه، به شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی پرداختند. پس از شناسایی هر محوطه، موقعیت جغرافیایی دقیق آن با استفاده از GPS ثبت و اطلاعاتی نظیر ابعاد، مساحت، ویژگی‌های توپوگرافیک و بقایای معماری قابل مشاهده در فرم‌های استاندارد ثبت گردید. جمع‌آوری مواد فرهنگی سطحی، به‌ویژه قطعات سفال، به صورت نظام‌مند انجام شد تا از طریق مطالعات گونه‌شناختی و مقایسه‌ای، تاریخ‌گذاری نسبی و تعیین توالی فرهنگی محوطه‌ها امکان‌پذیر شود.

ب) تحلیل داده‌ها و سنجش از دور

به منظور شناسایی اولیه محوطه‌های بالقوه و درک بستر جغرافیایی استقرارها، از تصاویر ماهواره‌ای (نظیر Landsat 8) استفاده شد. این تصاویر به تحلیل ویژگی‌های کلان منظر، مانند شبکه رودخانه‌های فصلی، ساختارهای زمین‌شناسی و پوشش گیاهی کمک شایانی نمود. داده‌های

باستان‌شناسی منظر و تحلیل الگوهای استقرار، رویکردهایی راهبردی برای فراتر رفتن از مطالعه تک‌محوطه‌ها و بازسازی نظام‌های پیچیده اجتماعی - اقتصادی جوامع گذشته هستند. این رویکردها با بررسی نحوه پراکندگی سکونتگاه‌ها در یک چشم‌انداز جغرافیایی، به دنبال درک منطق حاکم بر انتخاب‌های مکانی، شبکه‌های ارتباطی، راهبردهای معیشتی و ساختارهای سیاسی جوامع باستانی می‌باشند (تاسا و همکاران، ۱۴۰۳؛ یوسفوند و همکاران، ۱۴۰۳). در باستان‌شناسی ایران، این رویکرد در دهه‌های اخیر، به ویژه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تحولی چشمگیر یافته است. استفاده از سنجش از دور، اعم از تصویربرداری هوایی و ماهواره‌ای، و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، به باستان‌شناسان این امکان را داده است تا با دقتی بی‌سابقه، الگوهای فضایی را در مقیاس‌های وسیع تحلیل کنند. این ابزارها امکان مدل‌سازی روابط میان متغیرهای محیطی (مانند ارتفاع، شیب، فاصله از منابع آب و نوع خاک) و پراکندگی محوطه‌های باستانی را فراهم می‌آورند. برای نمونه، پژوهش در دشت درگز با استفاده از GIS نشان داد که استقرارگاه‌های پیش از تاریخ تا عصر آهن، همبستگی معناداری با عواملی چون دسترسی به آب و خاک حاصلخیز داشته‌اند (یوسفی زشک و باقی‌زاده، ۱۳۹۲). همچنین، در پژوهش حوضه آبریز لعل‌وار، تحلیل‌های GIS نشان داد که استقرارهای دوره اشکانی عمدتاً در امتداد رودخانه‌ها و راه‌های ارتباطی متمرکز شده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر همزمان عوامل محیطی و سیاسی - اقتصادی است (بنی‌جمالی و همکاران، ۱۳۹۹).

در منطقه قم، بررسی‌های باستان‌شناسی با رویکرد منظر، پیشینه‌ای قابل توجه دارد. یکی از کارهای بنیادین در این حوزه، بررسی‌های (کابلی، ۱۳۷۸) در حوضه آبریز قمرود بود. اهمیت این پژوهش در آن است که با برقراری توالی فرهنگی و استقرار اولیه منطقه، چارچوب زمانی و مکانی لازم را فراهم آورد که تمامی مطالعات منظر بعدی در این ناحیه بر آن استوار شده‌اند.

جمع‌آوری شده از پیمایش میدانی، شامل موقعیت مکانی، ابعاد، و مواد فرهنگی، در یک پایگاه داده منظم ثبت و دسته‌بندی شد تا زمینه برای تحلیل‌های بعدی در خصوص الگوهای پراکنش فضایی، تراکم استقرار و ارتباط محوطه‌ها با منابع محیطی فراهم گردد. این رویکرد ترکیبی، امکان دستیابی به داده‌های غنی و دقیقی را فراهم آورد که در بخش بعد به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. نگاهی اجمالی به پیشینه باستان‌شناسی منظر در ایران

باستان‌شناسی منظر^۱ رویکردی تحلیلی است که به مطالعه تعاملات پیچیده و درزمانی میان جوامع انسانی و محیط طبیعی می‌پردازد. این رویکرد، منظر را صرفاً یک بستر فیزیکی منفعل نمی‌داند، بلکه آن را ساختاری پویا و حاصل تلفیق فعالیت‌های انسان و طبیعت در طول زمان در نظر می‌گیرد (حیدری و بهبهانی، ۱۳۹۸). در این دیدگاه، منظر به مثابه یک «ارگانیسم زنده» است که در آن سیستم‌های طبیعی و فرهنگی در روابط متقابل و پویا با یکدیگر قرار دارند و تاریخ طولانی این برهم‌کنش را در خود ثبت کرده‌اند (سعیدی هرسینی و همکاران، ۱۳۹۱). تحلیل منظر به ما اجازه می‌دهد تا از سطح توصیف محوطه‌ها فراتر رفته و به درکی عمیق‌تر از انتخاب‌های مکانی، دلایل تمرکز یا پراکندگی استقرارگاه‌ها و نحوه بهره‌برداری از منابع در دوره‌های مختلف دست یابیم. این رویکرد نشان می‌دهد که الگوهای سکونتگاهی تصادفی نیستند، بلکه نتیجه تصمیم‌گیری‌های هدفمندی هستند که ریشه در درک فرهنگی جوامع از محیط و امکانات و محدودیت‌های آن دارند. جوامع گذشته با آگاهی از منابع و محدودیت‌های پیرامون خود، مکان‌هایی را برای سکونت برمی‌گزیدند که بیشترین مزیت را برای راهبردهای معیشتی و اجتماعی آن‌ها فراهم می‌کرد (سعیدی هرسینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حیدری دستنایی و نیکنامی، ۱۳۹۹).

^۱ Landscape Archaeology

آورد. اوج شکوفایی فرهنگی و بیشترین تراکم محوطه‌های شناسایی‌شده در این بازه زمانی، به خوبی با این شرایط اقلیمی مطلوب همپوشانی دارد (Shaikh Baikloo Islam, 2020).

با این حال، از اواسط سده پنجم میلادی، یک تغییر اقلیمی عمده با آغاز عصر یخبندان کوچک اواخر عهد باستان^۳ رخ داد. این دوره با شیفت به سمت اقلیمی سردتر، خشک‌تر و ناپایدارتر همراه بود که فشار محیطی و معیشتی شدیدی را بر جوامع ساکن در فلات ایران وارد کرد. شواهد باستان‌شناسی از دشت قم، از جمله کاهش تعداد و وسعت استقرارگاه‌های متعلق به اواخر دوره ساسانی، نشان‌دهنده یک دوره فترت و افول جمعیتی است. این رکود سکونت به منزله پاسخی مستقیم به این بحران اقلیمی تلقی می‌شود که ظرفیت‌های زیست‌محیطی منطقه را به شدت کاهش داد (Matloubkari & Shaikh Baikloo Islam, 2022).

۵. جغرافیا و شرایط محیطی منطقه قم

برای بازسازی الگوهای استقرار جوامع باستانی در دشت قم، درک دقیق چارچوب جغرافیایی و محیطی منطقه امری ضروری است. ویژگی‌های طبیعی این سرزمین، از جمله موقعیت استراتژیک، منابع آبی، اقلیم و کیفیت خاک، همواره مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها را پیش روی ساکنان آن قرار داده‌اند. تحلیل این عوامل به ما امکان می‌دهد تا منطق حاکم بر پراکندگی، شکوفایی و افول سکونتگاه‌ها در دوره‌های اشکانی و ساسانی را بهتر درک کنیم و به بازسازی تعامل پیچیده میان انسان و محیط در گذشته بپردازیم.

استان قم به واسطه قرارگیری در شمال فلات مرکزی ایران، موقعیتی استراتژیک دارد. این منطقه در گستره وسیع حوضه آبریز دریاچه نمک واقع شده است که از دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه‌های البرز تا شمال رشته‌کوه‌های زاگرس امتداد می‌یابد. ارتفاع در این حوضه از حدود ۴۵۷۲ متر در شمال استان تهران آغاز شده و با شیبی ملایم به سمت

این رویکرد در سایر نقاط ایران نیز به طور گسترده به کار گرفته شده است. برای مثال، مطالعات در زاگرس مرکزی الگوی استقرار دوره اشکانی را در ارتباط با شبکه‌های ارتباطی و عوامل محیطی تحلیل کرده‌اند (Mohammadifar & Niknami, 2013). همچنین، پژوهش‌ها در منطقه آبدانان، منظر باستان‌شناسی دوره ساسانی را با تمرکز بر تعامل میان ساختارهای اجتماعی و محیط طبیعی بازسازی نموده‌اند (Habibi & Mohammadifar, 2020). این مطالعات در مجموع نشان می‌دهند که باستان‌شناسی منظر به ابزاری کلیدی برای درک پویایی جوامع گذشته در فلات ایران تبدیل شده است. با اتکا به این پیشینه غنی، درک وضعیت اقلیمی دوران تاریخی مورد بحث، گام بعدی و ضروری برای تکمیل تحلیل الگوهای استقراری در دشت قم خواهد بود.

۴. وضعیت اقلیمی دوران اشکانی و ساسانی

نوسانات اقلیمی همواره یکی از عوامل تعیین‌کننده در شکوفایی و افول جوامع باستانی، به ویژه در محیط‌های آسیب‌پذیری مانند فلات ایران، بوده است. دوره‌های مرطوب‌تر می‌توانست به گسترش کشاورزی و افزایش جمعیت منجر شود، در حالی که خشکسالی‌های طولانی، جوامع را با بحران‌های معیشتی و فروپاشی اجتماعی مواجه می‌کرد (شیخ بیکلو اسلام و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو، بازسازی شرایط اقلیمی دوران اشکانی و ساسانی برای تفسیر صحیح الگوهای استقراری شناسایی‌شده در دشت قم، اهمیتی حیاتی دارد.

تحلیل داده‌های دیرین‌اقلیمی نشان می‌دهد که منطقه مورد مطالعه در دوران تاریخی، دو دوره اقلیمی متمایز را تجربه کرده است. همزمان با نیمه دوم دوره اشکانی و نیمه اول دوره ساسانی، شرایط اقلیمی تحت تأثیر دوره بهینه اقلیمی رومی^۲ قرار داشت. این دوره که با اقلیمی گرم‌تر و به نسبت مرطوب‌تر مشخص می‌شود، بستری مساعد برای گسترش استقرارگاه‌ها و افزایش جمعیت در دشت قم فراهم

^۳ Late Antique Little Ice Age

^۲ Roman Climate Optimum

ب) اقلیم، خاک و پوشش گیاهی

استان قم از تنوع اقلیمی قابل توجهی برخوردار است که یک شیب تدریجی از نواحی کوهستانی مرطوب‌تر به دشت‌های خشک را به نمایش می‌گذارد. این گرادیان اقلیمی، راهبردهای معیشتی خاصی مانند کوچ فصلی را، که از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد تا امروز در منطقه رواج داشته، تشویق کرده است. سه ناحیه اصلی اقلیمی عبارتند از:

اقلیم معتدل و سرد کوهستانی: این اقلیم در نواحی غربی و جنوبی استان با ارتفاع بیش از ۱۵۰۰ متر حاکم است. میانگین بارش سالانه بیش از ۲۰۰ میلی‌متر و دمای متوسط سالانه کمتر از ۱۴ درجه سانتی‌گراد، شرایط را برای باغداری، کشت دیم و چرای تابستانی دام‌ها مساعد می‌سازد.

اقلیم نیمه‌بیابانی: این اقلیم مناطق کوهپایه‌ای و بخش‌های مرکزی و شمالی دشت را در بر می‌گیرد. میانگین بارش سالانه بین ۱۲۵ تا ۲۱۵ میلی‌متر و دمای متوسط سالانه بین ۱۴ تا ۱۹ درجه سانتی‌گراد متغیر است.

اقلیم گرم و خشک بیابانی: این اقلیم بر نواحی شرقی استان مسلط است و با بارش سالانه کمتر از ۱۲۵ میلی‌متر و دمای متوسط سالانه بیش از ۱۹ درجه سانتی‌گراد، شرایط بسیار خشکی را برای سکونت و کشاورزی در فصل زمستان فراهم می‌آورد (شاطریان، ۱۳۸۸؛ سعیدیان، ۱۳۸۸).

خاک منطقه عمدتاً از نوع اریدیسول (خاک خشک) و سازندهای صخره‌ای تشکیل شده است که چالشی جدی برای کشاورزی باستانی محسوب می‌شد. این خاک‌ها به دلیل رطوبت بسیار پایین و درصد ناچیز مواد آلی، پتانسیل کشاورزی محدودی دارند. این محدودیت با نرخ فرسایش «شدید تا بسیار شدید» در بخش بزرگی از منطقه تشدید می‌شود که به سرعت لایه‌های سطحی حاصلخیز را از بین می‌برد. این شرایط دشوار، جوامع باستانی را به بهره‌برداری متمرکز از اراضی آبرفتی حاشیه رودخانه‌ها و اتکای جدی به فناوری‌هایی مانند قنات برای جبران کمبود آب و حاصلخیزی خاک وامی‌داشت. پوشش گیاهی منطقه نیز متأثر از همین شرایط، عمدتاً از نوع استپ و گیاهان

کویر مرکزی کاهش می‌یابد. ساختار توپوگرافیک منطقه عمدتاً توسط گسل‌های اصلی با امتداد شمال‌غربی - جنوب‌شرقی شکل گرفته است که نه تنها راستای کلی رشته‌کوه‌ها را تعیین کرده، بلکه دالان‌های طبیعی برای جریان آب و به تبع آن، مسیرهای تردد و استقرار انسان را ایجاد نموده‌اند (کرینسلی، ۱۳۸۱). این موقعیت، دشت قم را به یک چهارراه طبیعی برای مسیرهای ارتباطی و کانون تمرکز جریان‌های آبی بدل کرده است که از ارتفاعات پیرامون به سمت شمال، منطبق با شیب عمومی سرزمین، جاری می‌شوند.

الف) منابع آبی: شریان‌های حیات در دشت قم

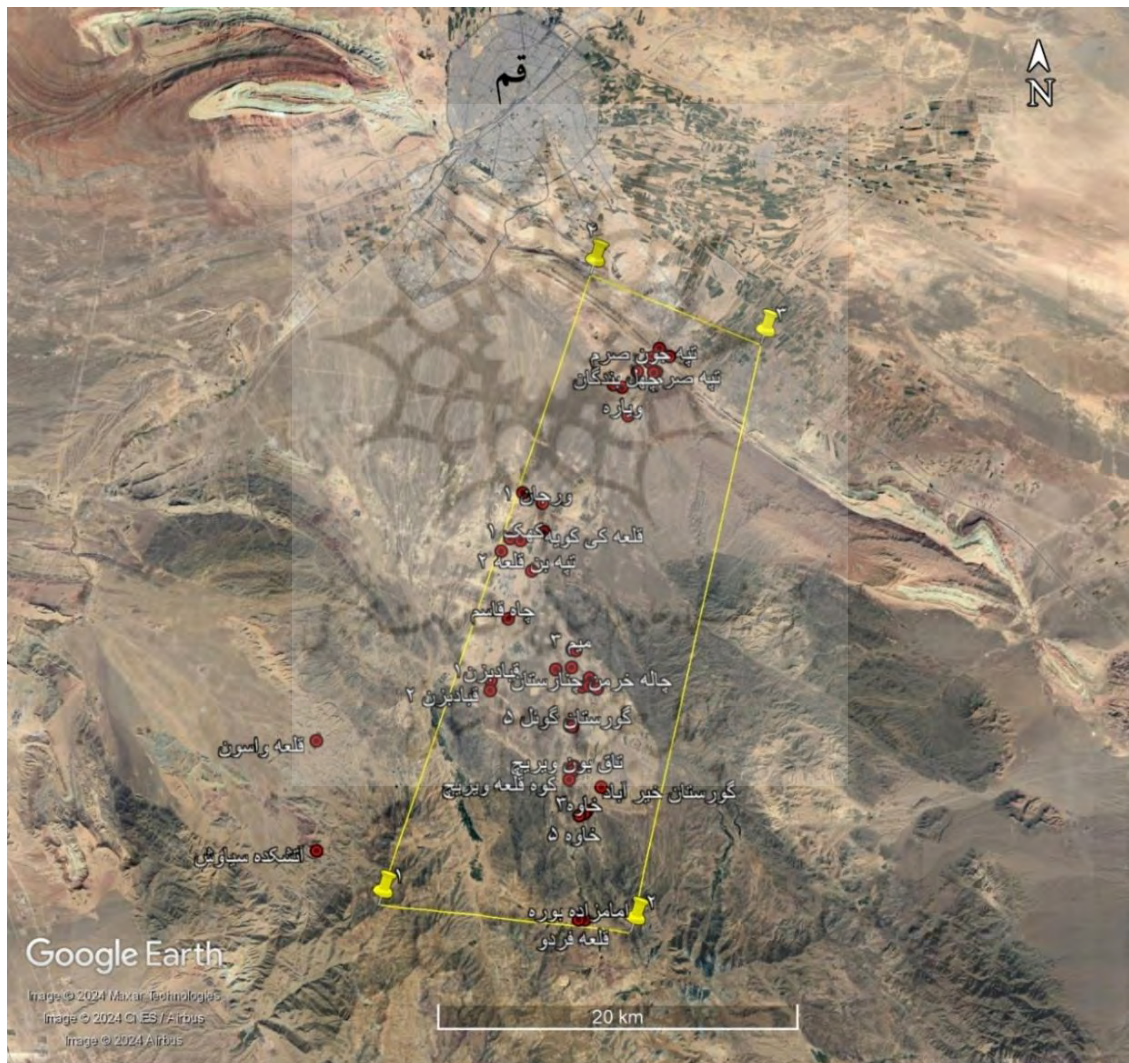
شبکه هیدرولوژیکی منطقه قم، به عنوان اصل سازمان‌دهنده منظر باستانی، نقشی حیاتی در تعیین مکان و تداوم استقرارگاه‌ها داشته است. این شبکه، متشکل از رودخانه‌های متعدد و منابع آب زیرزمینی، مناطق خطی قابل سکونت را در دل چشم‌اندازی خشک ایجاد کرده است. رودخانه‌های اصلی مانند قره‌چای (شراء) و قمرود، در کنار جریان‌های کوچک‌تری چون فردو، دره‌باغ، وشنوه (کوار) و طغرود، از ارتفاعات جنوبی سرچشمه گرفته و دشت را آبیاری می‌کنند. پراکندگی محوطه‌های باستانی شناسایی‌شده به وضوح بر این شبکه هیدرولوژیکی منطبق است و نشان می‌دهد که استقرارگاه‌ها به طور مستقیم در امتداد این شریان‌های حیاتی شکل گرفته‌اند. با این حال، ماهیت اکثر این رودخانه‌ها فصلی است و جریان آب در آن‌ها به شدت به نزولات جوی در فصول پاییز و زمستان وابسته است. در چنین محیطی، منابع آب زیرزمینی که از طریق حفر قنات و چاه در دسترس قرار می‌گرفتند، اهمیت دوچندان می‌یافتند. این فناوری‌های بومی به جوامع باستانی امکان می‌داد تا بر محدودیت‌های ناشی از خشکی فصلی رودخانه‌ها غلبه کرده و نظام معیشتی پایدارتری مبتنی بر کشاورزی و دامداری شکل دهند. در واقع، نزدیکی به این منابع آبی، چه سطحی و چه زیرزمینی، یکی از معیارهای اصلی در مکان‌یابی استقرارگاه‌ها بوده و بقای نظام‌های سکونتی به مدیریت موفق این منابع وابسته بوده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱).

۶. بحث و یافته‌ها

بررسی روشمند نواحی جنوبی دشت قم، داده‌های جدید و ارزشمندی را در خصوص الگوهای استقرار دوران اشکانی و ساسانی آشکار ساخت. این یافته‌ها نه تنها به شناسایی محوطه‌های جدید منجر شد، بلکه درک ما را از نحوه تعامل جوامع انسانی با یک محیط خشک و آسیب‌پذیر عمیق‌تر نمود. در این بخش، ابتدا یافته‌های عمومی حاصل از بررسی ارائه شده و سپس به منظور ارائه تصویری روشن‌تر از ماهیت استقرارها، تعدادی از محوطه‌های شاخص شناسایی شده به تفصیل توصیف می‌شوند.

شورپسند است و پوشش جانوری آن شامل گونه‌های سازگار با محیط‌های خشک و کوهستانی می‌شود.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تعامل پیچیده میان ساختار زمین‌شناختی، منابع آبی محدود و فصلی، و شرایط اقلیمی و خاکی آسیب‌پذیر، چارچوبی چالش‌برانگیز برای حیات در دشت قم ایجاد کرده است. درک این چارچوب محیطی، زمینه را برای تحلیل پیشینه مطالعات الگوهای استقرار در این منطقه فراهم می‌آورد.



شکل ۱: نقشه محدوده مورد بررسی در دشت قم

۱-۶. یافته‌های عمومی بررسی

در مجموع ۵۴ محوطه باستانی در محدوده مورد بررسی شناسایی شد که از این تعداد، ۴۱ محوطه دارای شواهد فرهنگی از دوران تاریخی اشکانی و ساسانی بودند. این محوطه‌ها بر اساس کارکرد احتمالی و بقایای سطحی به چند گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

- **سکونتگاه‌ها:** این گروه با ۳۰ محوطه، بیشترین تعداد آثار شناسایی شده را تشکیل می‌دهند و شامل استقرارهای کوچک فصلی تا روستاهای بزرگ‌تر هستند.

- **قلعه‌ها:** ۷ محوطه با کاربری احتمالی نظامی، دفاعی یا اداری شناسایی شد که در نقاط راهبردی دشت یا بر فراز ارتفاعات قرار گرفته‌اند.
- **گورستان‌ها:** ۳ محوطه به عنوان گورستان تشخیص داده شد که بر اساس ساختار قبور (از نوع پشته‌سنگی) قابل شناسایی بودند.
- **آتشکده:** یک بنای منحصربه‌فرد (آتشکده سیاوش) که احتمالاً کاربری نیایشی داشته، در این بررسی شناسایی شد.



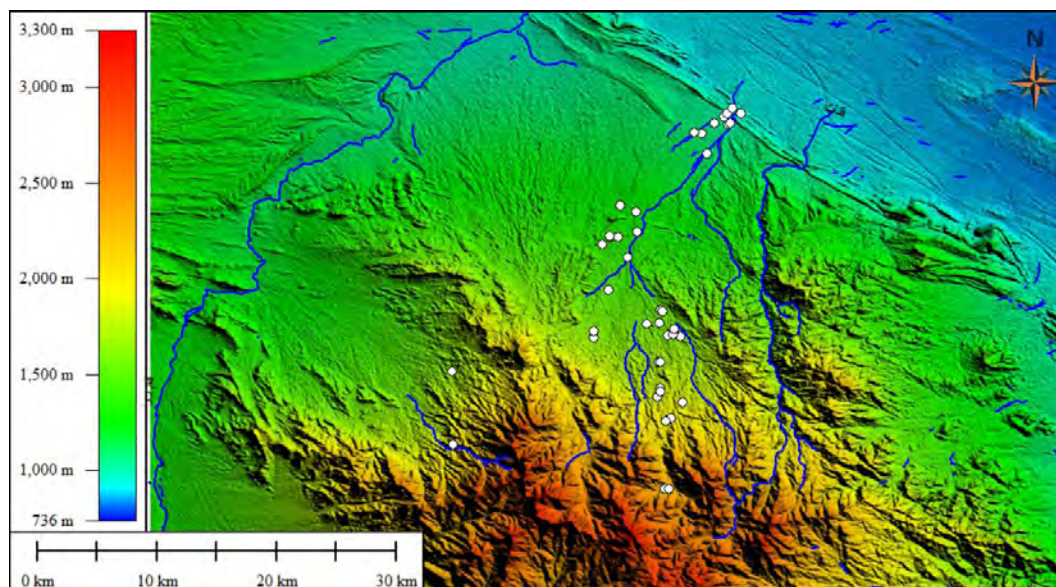
شکل ۲: نمایی از گورستان پشته سنگی خیرآباد.

مستقر در نقاط راهبردی قرار داشته‌اند. این قلعه‌ها نه تنها بر مسیرهای ارتباطی و مراتع تسلط داشتند، بلکه به عنوان مراکز اداری یا نقاط دفاعی در برابر تهدیدات عمل می‌کردند و بدین ترتیب، امنیت لازم برای تداوم اقتصاد شبانی-کشاورزی منطقه را فراهم می‌آوردند.

داده‌های مربوط به ابعاد و ارتفاع محوطه‌ها نیز این الگو را تقویت می‌کند. داده‌های جدول ۱ به طور خاص روشنگر است: بیش از ۶۵٪ از کل محوطه‌های شناسایی شده کوچکتر از یک هکتار هستند. این غلبه محوطه‌های کوچک مقیاس، در ترکیب با یافته‌های جدول ۲ که نشان می‌دهد ۹۰٪ از محوطه‌ها بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا متمرکز شده‌اند، مدل یک جمعیت پراکنده و نیمه‌یکجانشین را که از دشت‌های پست و بی‌دفاع و همچنین از ارتفاعات صعب‌العبور اجتناب می‌کرده، به شدت تقویت می‌کند.

تحلیل گاه‌نگاری مبتنی بر داده‌های سفالی نشان می‌دهد که توزیع زمانی محوطه‌ها یکنواخت نبوده است. بیشترین تراکم استقرار مربوط به اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی است، به طوری که ۲۴ محوطه (معادل ۵۸.۵٪) به این بازه زمانی تعلق دارند. این دوره اوج شکوفایی و تراکم جمعیتی در منطقه محسوب می‌شود. پس از آن، تعداد محوطه‌ها در اواخر دوره ساسانی به ۷ محوطه (۱۷٪) کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده یک دوره رکود یا تغییر در الگوی استقرار است. این توزیع زمانی، اهمیت تحولات اقلیمی و سیاسی را در پویایی‌های جمعیتی منطقه برجسته می‌سازد.

این گروه‌بندی کارکردی، تصویری از یک نظام استقرار منسجم را ترسیم می‌کند. شبکه پراکنده‌ای از سکونتگاه‌های کوچک دامداری (که اکثریت محوطه‌ها را تشکیل می‌دهند) احتمالاً تحت نظارت یا حفاظت قلعه‌های



شکل ۳: موقعیت محوطه‌های ساسانی و اشکانی یافت‌شده در ناحیه مورد بررسی واقع در استان قم.

که نماینده انواع مختلف کاربری (قلعه، سکونتگاه، آتشکده) و موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت هستند، به تفصیل معرفی می‌شوند.

توصیف محوطه قلعه خورآباد

• **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع ۹۸۴ متری از سطح دریا قرار دارد.

• **توصیف فیزیکی:** قلعه خورآباد یک محوطه مستحکم با ابعاد تقریبی ۱۷۰×۷۰ متر و مساحتی حدود ۱۱,۹۰۰ متر مربع است. بقایای معماری آن شامل دیوارهایی از قلوه‌سنگ و ملاط گل است.

• **بستر محیطی:** این قلعه در نزدیکی بستر رودخانه فصلی خورآباد (بارونه) واقع شده که از ضلع جنوب و غرب آن عبور می‌کند و نقش یک مانع دفاعی طبیعی را ایفا می‌کرده است.

• **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** سفال‌های سطحی پراکنده در محوطه، تاریخ‌گذاری آن را به اواخر دوره اشکانی تا اوایل دوره ساسانی ممکن می‌سازد. شواهدی از استقرار در دوره‌های میانی اسلامی نیز در این محوطه دیده می‌شود. موقعیت دفاعی این قلعه در ورودی دشت، بر اهمیت کنترل دسترسی به مناطق پایین‌دست در نظام استقرار منطقه تأکید دارد.

جدول ۱: دسته‌بندی محوطه‌ها بر اساس مساحت.

ردیف	محدوده مساحت (مترمربع)	تعداد محوطه‌ها	درصد
۱	۰ تا ۱۰,۰۰۰	۲۷	۶۵.۸۵٪
۲	۱۰,۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰	۵	۱۲.۲۰٪
۳	۲۰,۰۰۰ تا ۳۰,۰۰۰	۶	۱۴.۶۳٪
۴	۳۰,۰۰۰ تا ۴۰,۰۰۰	۱	۲.۴۴٪
۵	۴۰,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰	۱	۲.۴۴٪
۶	۵۰,۰۰۰ تا ۶۰,۰۰۰	۰	۰
۷	۶۰,۰۰۰ تا ۷۰,۰۰۰	۱	۲.۴۴٪
جمع کل		۴۱	۱۰۰٪

جدول ۲: توزیع ارتفاعی محوطه‌ها بر اساس متر بالاتر از سطح دریا

ردیف	گروه ارتفاعی (متر از سطح دریا)	تعداد محوطه‌ها	درصد
۱	۰ تا ۱۰۰۰ متر	۱	۲.۵٪
۲	۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر	۳۷	۹۰٪
۳	۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر	۳	۷.۵٪
جمع کل		۴۱	۱۰۰٪

۲-۶. معرفی و توصیف محوطه‌های شاخص

برای به تصویر کشیدن تنوع و ماهیت استقرارهای شناسایی‌شده، در این بخش تعدادی از محوطه‌های کلیدی

- **بستر محیطی:** قلعه بر چشم‌انداز پیرامون و مسیرهای ارتباطی تسلط کامل دارد و یک رودخانه فصلی در نزدیکی آن قرار گرفته است.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** این محوطه دارای یک توالی استقرار طولانی است. سفال‌های سطحی نشان می‌دهند که استفاده از این قلعه از دوره دوم اشکانی آغاز شده و در سراسر دوره ساسانی و دوره‌های اسلامی ادامه داشته است. استقرار طولانی‌مدت در این قلعه، اهمیت راهبردی پایدار آن را در کنترل بخش میانی دشت نشان می‌دهد.



شکل ۵: نمای کلی از موقعیت مکانی قلعه سنگی کی کویه در چشم‌انداز طبیعی.



شکل ۶: قطعات سفال‌های دوره دوم اشکانی تا اوایل دوره ساسانی، قلعه سنگی کی کویه، سیرو.

توصیف محوطه چاه قاسم

- **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع ۱۵۲۳ متری از سطح دریا قرار دارد.
- **توصیف فیزیکی:** چاه قاسم با مساحتی حدود ۷۰,۰۰۰ متر مربع (۷ هکتار)، بزرگترین سکونتگاه شناسایی شده در این بررسی است. این محوطه در گذشته به اشتباه به عنوان دو اثر مجزا ثبت شده بود، اما بررسی حاضر نشان داد که یک استقرار واحد است که توسط یک جاده به دو بخش تقسیم شده است.

توصیف محوطه تپه حاجی

- **موقعیت:** این محوطه با مختصات UTM s39 496795, 3818589 در ارتفاع ۱۰۳۰ متری از سطح دریا واقع است.
- **توصیف فیزیکی:** تپه حاجی یک تپه استقرار بزرگ به ابعاد ۱۵۰×۲۲۰ متر و مساحت تقریبی ۳۳,۰۰۰ متر مربع است. این تپه یک برجستگی طبیعی است که استقرار بر روی آن شکل گرفته است.
- **بستر محیطی:** رودخانه فصلی بارونه (دره باغ) از ضلع غربی این محوطه عبور می‌کند و منبع آب اصلی آن بوده است.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** تراکم بالای سفال‌های سطحی، نشان‌دهنده یک استقرار مهم در این نقطه است. بر اساس تحلیل گونه‌شناختی سفال‌ها، قدمت این محوطه به اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی بازمی‌گردد. وسعت نسبتاً بزرگ این محوطه، آن را به عنوان یکی از مراکز جمعیتی کلیدی در بخش شمالی منطقه مورد بررسی معرفی می‌کند.



شکل ۴: نمونه قطعات سفال‌های شاخص اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی از تپه حاجی.

توصیف محوطه قلعه کی کویه

- **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع ۱۳۴۰ متری از سطح دریا قرار دارد.
- **توصیف فیزیکی:** این قلعه بر فراز یک پشته سنگی طبیعی با موقعیت دفاعی عالی ساخته شده است. ابعاد آن ۲۵×۵۵ متر است و بقایای حصار و سازه‌های داخلی آن که با لاشه‌سنگ و ملاط گل ساخته شده، قابل مشاهده است.

تپه‌های طبیعی مشرف به رودخانه فصلی میم (فردو) شکل گرفته‌اند.

- **بستر محیطی:** نزدیکی به رودخانه فصلی میم، منبع اصلی آب برای این سکونتگاه‌های فصلی بوده است.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** هر سه محوطه دارای تراکم بالایی از سفال‌های شاخص دوره دوم اشکانی تا اوایل دوره ساسانی هستند. سفال کلینکی، که شاخص این دوره است، در این محوطه‌ها به وفور یافت شده است. این مجموعه، نمونه‌ای بارز از الگوی استقرار خوشه‌ای در امتداد یک منبع آب فصلی است که مشخصه اصلی اقتصاد شبانی منطقه می‌باشد.



شکل ۹: نمونه سفال کلینکی، شاخص دوره دوم اشکانی تا اوایل دوره ساسانی از محوطه میم ۳.

توصیف محوطه کوه قلعه ویرج

- **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع ۱۹۱۸ متری از سطح دریا بر فراز یک پشته صعب‌العبور قرار دارد.
- **توصیف فیزیکی:** این اثر بقایای یک دژ یا قلعه مستحکم است که با استفاده از لاشه‌سنگ و ملاط گل ساخته شده و بر کل دشت و روستاهای ویرج و خاوه مشرف است. مساحت آن حدود ۱۱۱۰ متر مربع است.

- **بستر محیطی:** موقعیت راهبردی این قلعه، کنترل مسیرهای ارتباطی و نظارت بر دشت را ممکن می‌ساخته است.

- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** این محوطه دارای یک توالی استقرار بسیار طولانی است. شواهد نشان می‌دهد که نخستین دوره استقرار از نیمه دوم دوره اشکانی آغاز شده و تا دوره قاجار، یعنی برای حدود ۱۵۰۰ سال، به صورت

- **بستر محیطی:** وجود دو رشته قنات که از میان محوطه عبور می‌کنند، نشان‌دهنده اهمیت مدیریت منابع آب زیرزمینی است. این سرمایه‌گذاری فناورانه تقریباً به طور قطع عامل اصلی امکان‌پذیر شدن چنین استقرار بزرگی در این محیط خشک بوده است.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** سفال‌های سطحی فراوان، این محوطه را به دوره دوم اشکانی تا اوایل دوره ساسانی تاریخ‌گذاری می‌کنند. وسعت استثنایی چاه قاسم در مقایسه با دیگر سکونتگاه‌ها، آن را به عنوان یک مرکز منطقه‌ای بالقوه معرفی می‌کند که توسعه آن مستقیماً به فناوری قنات وابسته بوده است.



شکل ۷: نمایی از بقایای معماری در محوطه چاه قاسم.



شکل ۸: نمونه سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی چاه قاسم.

توصیف مجموعه تپه‌های میم (۱، ۲ و ۳)

- **موقعیت:** این سه محوطه در نزدیکی یکدیگر و در مجاورت روستای امروزی میم، بر روی پشته‌های طبیعی ساختار شنی-رسی قرار گرفته‌اند. ارتفاع آن‌ها بین ۱۵۸۹ تا ۱۶۸۰ متر از سطح دریا متغیر است.
- **توصیف فیزیکی:** این محوطه‌ها مجموعه‌ای از استقرارهای مرتبط به هم را تشکیل می‌دهند که بر روی



شکل ۱۱: نمایی از وضعیت کنونی قلعه فردو.



شکل ۱۲: نمونه سفال‌های قلعه فردو.

مستمر یا متناوب مورد استفاده بوده است. این تداوم طولانی بر اهمیت استراتژیک این نقطه برای کنترل ارتفاعات جنوبی دشت در دوره‌های مختلف تاریخی صحنه می‌گذارد.



شکل ۱۰: نمونه سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی کوه قلعه ویرج.

توصیف محوطه قلعه فردو

- **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع بسیار بالای ۲۳۶۴ متر از سطح دریا، در منطقه کوهستانی جنوب استان قم واقع شده است.
- **توصیف فیزیکی:** این قلعه بر فراز یک پشته طبیعی با ابعاد تقریبی ۳۰×۴۰ متر ساخته شده است. بقایای یک برج و دیوارهایی از قلوه‌سنگ و ملاط گل رس در آن قابل مشاهده است.
- **بستر محیطی:** رودخانه فردو در فاصله ۶۵۰ متری شرق محوطه، مهم‌ترین منبع آب آن محسوب می‌شود. موقعیت کوهستانی آن، کارکردی دیده‌بانی و دفاعی را تداعی می‌کند.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** مجموعه سفال‌های سطحی، قدمت این اثر را به دوره اشکانی و ساسانی نشان می‌دهد. همچنین شواهدی از استقرار در دوره‌های اولیه و میانی اسلامی نیز در آن یافت شده است. استقرار این قلعه در ارتفاع بالا، اهمیت نظارت و دفاع از مراتع مرتفع را که جزء کلیدی اقتصاد شبانی نیمه‌یکجانشین منطقه بوده است، به خوبی نشان می‌دهد.
- **توصیف آتشکده سیاوش**
- **موقعیت:** این محوطه در ارتفاع ۲۰۵۵ متری از سطح دریا و خارج از محدوده اصلی بررسی قرار دارد، اما به لحاظ فرهنگی بخشی از همین چشم‌انداز محسوب می‌شود.
- **توصیف فیزیکی:** این اثر یک بنای سنگی منحصربه‌فرد است که احتمالاً کاربری نیایشگاهی یا آتشکده داشته است. ساختار آن با استفاده از قطعات سنگ تخته‌ای و به روش خشکه‌چین (بدون ملاط) ساخته شده که تکنیک قابل توجهی است. ابعاد آن ۱۲.۵×۱۱.۱ متر است.
- **بستر محیطی:** بنا در یک محیط کوهستانی و در نزدیکی یک رودخانه فصلی واقع شده و دسترسی به آن دشوار است که می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت آیینی و جداسازی آن از فضاهاى مسکونی باشد.
- **یافته‌ها و تاریخ‌گذاری:** هیچ سفال قابل تاریخ‌گذاری از سطح محوطه به دست نیامد که این امر در محوطه‌های آیینی منفرد امری رایج است. بنابراین، انتساب احتمالی آن

به دوران اشکانی/ساسانی بر اساس گونه‌شناسی معماری و مقایسه با سازه‌های مشابه در فلات مرکزی است. وجود این بنای آیینی، بعد معنوی و اعتقادی را به چشم‌انداز فرهنگی این منطقه دآمداری می‌افزاید.



شکل ۱۳: موقعیت مکانی آتشکده سیاوش در محیط کوهستانی.



شکل ۱۴: نمایی از آتشکده سیاوش.

جدول ۴: مشخصات کلیدی محوطه‌های تاریخی شناسایی شده در جنوب دشت قم. محوطه آتشکده سیاوش، که خارج از محدوده اصلی بررسی قرار دارد، برای تکمیل چشم‌انداز فرهنگی منطقه در این جدول گنجانده شده است.

ردیف	نام اثر	دوره	مساحت (مترمربع)	ارتفاع از سطح دریا (متر)
۱	قلعه خورآباد	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی و اسلامی	۱۱۹۰۰	۹۸۴
۲	تپه حاجی	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	۳۳۰۰۰	۱۰۳۰
۳	امامزاده سلیمان خورآباد	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	۱۳۹۵	۱۰۵۳
۴	تپه جون صرم	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۴۵۰۰	۱۰۵۷
۵	تپه کرانه	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۵۴۰۰	۱۰۵۷
۶	برهه	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۱۷۶۰۰	۱۰۴۲
۷	تپه (گورستان) صرم	سیلک II، اشکانی و ساسانی و اسلامی	۲۵۹۰۰	۱۰۴۵
۸	محوطه و قلعه چهل بندگان	دوره دوم اشکانی و اوایل ساسانی و اسلامی	۵۰۰۰۰	۱۱۰۱
۹	تپه چهل بندگان	سیلک II، مفرغ، آهن I، دوره دوم اشکانی تا اوایل ساسانی	۶۰۰۰	۱۰۸۵
۱۰	ویاره	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	۳۰۰۰۰	۱۱۱۰
۱۱	ورجان ۱	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	۲۰۰۰	۱۳۰۸
۱۲	ورجان ۲	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی و اسلامی	۹۶۰۰	۱۲۸۵
۱۳	قلعه کی کوبه	دوره دوم اشکانی تا اوایل ساسانی و اسلامی	۱۳۷۵	۱۳۴۰
۱۴	کپک ۱ (بنار)	اشکانی و ساسانی	۲۴۰۰۰	۱۳۶۸
۱۵	کپک ۲	اواخر ساسانی	۱۳۵۰۰	۱۳۵۳
۱۶	کپک ۹	سیلک II، مفرغ، آهن، اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۳۰۰۰۰	۱۴۱۲
۱۷	بن قلعه ۱	اشکانی و ساسانی	۳۰۰۰	۱۴۲۰
	بن قلعه ۲	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۵۴۰۰	۱۴۲۵
۱۸	چاه قاسم	دوره دوم اشکانی تا اوایل ساسانی	۷۰۰۰۰	۱۵۲۳
۱۹	میم ۱	دوره دوم اشکانی تا اوایل ساسانی	۳۰۰۰۰	۱۶۸۰
۲۰	میم ۲	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی	۴۰۰۰	۱۵۸۹
۲۱	میم ۳	دوره دوم اشکانی تا اوایل ساسانی	۲۷۵۰۰	۱۶۱۱
۲۲	تپه مزرعه قبادبزن	اواخر ساسانی	۷۳۵۰	۱۶۱۲
۲۳	امامزاده اسحاق	اواخر ساسانی و اسلامی	۷۱۵۰	۱۶۲۴
۲۴	دستگرد ۱	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی و اسلامی	۹۶۰۰	۱۶۵۶
۲۵	دستگرد ۲	اواخر ساسانی و اسلامی	۱۵۰۰۰	۱۶۷۲
۲۶	چاله خرمین چنارستان	اشکانی و ساسانی	۲۴۰۰	۱۶۷۹
۲۷	قبادبزن ۱	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی و اسلامی	۵۲۲۵	۱۷۰۷
۲۸	قباد بزن ۲	اواخر ساسانی	۴۸۰۰	۱۶۸۲
۲۹	گورستان گوئل ۲	اشکانی و ساسانی و اسلامی	۱۷۵۰۰	۱۷۵۳
۳۰	گورستان گوئل ۵	اشکانی و ساسانی تا اوایل اسلامی	۱۰۰۰۰	۱۷۵۳

۱۸۶۸	۳۵۷۵	اشکانی و ساسانی	تپه ویریچ ۱	۳۱
۱۸۵۷	۳۷۵۰	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	تپه تاق بون ویریچ	۳۲
۱۹۱۸	۱۱۱۰	اواخر اشکانی، ساسانی و اسلامی	کوه قلعه ویریچ	۳۳
۱۹۰۵	۱۰۰۰۰	اشکانی تا اوایل اسلامی	گورستان خیرآباد	۳۴
۱۹۴۴	۴۲۰۰	اشکانی و ساسانی و اسلامی	محوطه خاوه ۳	۳۵
۱۹۶۲	۳۰۰	اواخر ساسانی	خاوه ۴	۳۶
۱۹۱۰	۱۴۴۰	اواخر اشکانی و اوایل ساسانی	خاوه ۵ (سر تخت خاوه)	۳۷
۲۳۶۴	۱۲۰۰	اشکانی و ساسانی و اسلامی	قلعه فردو	۳۸
۲۳۲۹	۳۹۰۰	اواخر ساسانی	امامزاده بوره	۳۹
۱۷۵۲	۱۲۱	اواخر اشکانی تا اوایل ساسانی و اسلامی	قلعه واسون	۴۰
۲۰۵۵	۱۳۸.۷۵	اشکانی و ساسانی (?)	آتشکده سیاوش	۴۱

۷. نتیجه‌گیری

محوطه‌ها از ۲۴ استقرار در دوره اوج به تنها ۷ محوطه در اواخر دوره ساسانی، با دور جدیدی از نوسانات اقلیمی شدیدتر، یعنی «عصر یخبندان کوچک اواخر عهد باستان» و همچنین تحولات سیاسی همزمان است که نشان از افت ظرفیت زیستی منطقه و زوال تدریجی استقرارها دارد. در نهایت، می‌توان گفت که الگوی استقرار در جنوب دشت قم، بازتابی روشن از پویایی رابطه میان انسان و محیط در طول زمان است. این جوامع با اتکا به دانش بومی و فناوری‌های سازگارانه، توانستند در یک محیط چالش‌برانگیز به حیات خود ادامه دهند، اما حیات آن‌ها همواره به شدت تحت تأثیر نوسانات اقلیمی و ظرفیت‌های محدود زیست‌محیطی باقی ماند.

سپاسگزاری

نویسنده اول مقاله از جناب آقای دکتر سیامک سرلک که اجازه همکاری در بررسی روشمند قم و استفاده از داده‌ها را به نگارنده دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید.

منابع

اتابکی، علی (۱۳۸۷). بررسی باستان‌شناختی استان قم جهت تهیه نقشه باستان‌شناسی [گزارش]، جلد ۱۱، سرپرست علی اتابکی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

این پژوهش با هدف بازسازی الگوی استقرار نواحی جنوبی دشت قم در دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) بر پایه یافته‌های یک بررسی میدانی روشمند انجام شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که تعامل میان جوامع انسانی و محیط زیست شکننده و خشک منطقه، عامل اصلی شکل‌دهنده به الگوهای سکونت بوده است. شناسایی ۴۱ محوطه تاریخی، از جمله سکونتگاه‌ها، قلعه‌ها و یک آتشکده، تصویری از یک نظام استقرار پیچیده را ترسیم می‌کند که در آن، راهبردهای معیشتی متناسب با محدودیت‌های محیطی اتخاذ شده است. شواهد باستان‌شناختی، از جمله وسعت اندک اکثر محوطه‌ها، پراکندگی استقرارها در نزدیکی منابع آب فصلی، و بقایای معماری ساده، مؤید یک الگوی معیشتی نیمه‌یکجانشین مبتنی بر دامداری به همراه کشاورزی محدود است. در چنین محیطی، امکان کشاورزی گسترده و دائم وجود نداشته و فناوری‌هایی چون قنات به عنوان یک سازوکار کلیدی برای بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی و تداوم حیات عمل کرده است. مهم‌ترین نتیجه‌گیری گاه‌نگاشتی این پژوهش آن است که اوج تراکم جمعیت و شکوفایی فرهنگی منطقه در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی رخ داده است. این دوره، با دوره «بهینه اقلیمی رومی» همزمان است که شرایط اقلیمی مساعدتری را برای سکونت فراهم آورده بود. کاهش محسوس تعداد

سرلک، سیامک (۱۳۹۰). باستان‌شناسی و تاریخ قم. قم: انتشارات شاخص.

سرلک، سیامک، و عقیلی نیاکی، شیرین (۱۳۹۴). معماری، شیوه تولید اقتصادی و فنون ذخیره مواد غذایی در پایان عصر مفرغ جدید و آغاز عصر آهن در محوطه قلای درویش جمکران، قم. در مفاخر میراث فرهنگی ایران (صص. ۱۳۷-۱۲۲). به کوشش مرتضی حساری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۸). سرزمین و مردم ایران. تهران: علم و زندگی و انتشارات آرام.

سعیدی هرسینی، محمدرضا، نیکنامی، کمال الدین، و طهماسبی، کرم. (۱۳۹۱). برهمکنش محیط و فرهنگ: چشم انداز جغرافیایی و تحلیل باستان‌شناختی از استقرارهای دوره مس سنگی زاگرس مرکزی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۲(۲)، ۳۶-۲۵.

شاطریان، رضا (۱۳۸۸). اقلیم و معماری. تهران: سیمای دانش.

شیخ بیگلر اسلام، بابک، چاپچی امیرخیز، احمد، سعیدی، محمدرضا (۱۴۰۲). پژوهش‌های دیرین‌اقلیم در مطالعات باستان‌شناسی. تهران: سمت.

شیخ بیگلر اسلام، بابک (۱۴۰۱). بررسی تغییرات جمعیتی و پراکنش مکانی جوامع عصر آهن ایران با رویکرد باستان‌شناسی محیطی. پیام باستان‌شناس، ۱۴(۲۶)، ۴۸-۳۳.

فهیمی، حمید (۱۳۸۳). سکونتگاه گور خفتگان صرم: گزارش درباره محوطه شمشیرگاه در جنوب قم. باستان‌شناسی و تاریخ، ۱۸، ۶۸-۶۱.

فریفته، جمشید (۱۳۶۶). سیستم تقسیم بندی اقلیمی؛ مطالعه موردی در منطقه خشک و نیمه خشک ایران. تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی.

کابلی، میر عابدین (۱۳۷۸). بررسی‌های باستان‌شناسی قم‌رود. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور.

بنی‌جمالی، سیده لیلا، هژبری نوبری، علیرضا، موسوی کوهپیر، سید مهدی، موسوی حاجی، سید رسول، علایی مقدم، جواد (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل الگوی استقرار دوره اشکانی حوضه آبریز رودخانه لعل‌وار استان مرکزی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۰(۲۵)، ۱۳۶-۱۱۳. <https://doi.org/10.22084/nbsh.2019.11504.1498>
پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۲). گزارش فصل سوم کاوش در محوطه باستانی فرهنگ سفال خاکستری تپه صرم، استان قم، بخش کهک روستای صرم. سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).

تاسا، روناک، سعیدی هرسینی، محمدرضا، چاپچی امیرخیز، احمد، درخشی، حسن (۱۴۰۳). باستان‌شناسی منظر و تحلیل الگوهای سکونتگاهی در ایران: رویکردی میان‌رشته‌ای با استفاده از فناوری‌های نوین. باستان‌شناسی ایران، ۱۴(۲)، ۱۲-۱.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1201588>

حیدری، فاطمه، بهبهانی، هما ایرانی (۱۳۹۸). خوانش منظر باستان‌شناسی (بازسازی لایه‌های ادراکی و اکولوژیکی). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۹(۲۲)، ۲۶-۷.

<https://doi.org/10.22084/nbsh.2019.17760.1853>

حیدری دستنابی، محسن، نیکنامی، کمال الدین (۱۳۹۹). تحلیل رابطه میان شکل‌گیری و تداوم استقرار محوطه‌های دوره نوسنگی با بستر محیطی آن‌ها در دشت سرفیروزآباد کرمانشاه، غرب زاگرس مرکزی. پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ۵۲(۲)، ۳۱۳-۳۳۱.

<https://doi.org/10.22059/jphgr.2020.285488.1007418>

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۱). فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور؛ حوضه آبریز ایران مرکزی. تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

سرلک، سیامک (۱۴۰۲). گزارش بررسی دشت قم. تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

از دوره نوسنگی تا پایان عصر آهن. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۲(۲)، ۷-۲۴.

Alexakis, D., Agapiou, A., Hadjimitsis, D., & Sarris, A. (2012). Remote sensing applications in archaeological research. *Remote Sensing-Applications*, 435-462.

Casana, J. (2021). Rethinking the landscape: Emerging approaches to archaeological remote sensing. *Annual Review of Anthropology*, 50(1), 167-186.

Habibi, H., & Mohammadifar, Y. (2020). Landscape Archaeology of Abdanan in the Sasanian Period. In K.A. Niknami & A. Hozhabri (Eds.), *Archaeology of Iran in the Historical Period* (pp. 617-632). Springer.

Matloubkari, E., & Shaikh Baikloo Islam, B. (2022). Climate Change and Challenges of the Last Ancient Dynasty of Iran: The Decline and Fall of the Sassanid Empire. *Persica Antiqua*, 2(2), 61-76.

Mohammadifar, Y., & Niknami, K. A. (2013). Parthian settlement patterns in the Central Zagros region of Western Iran. *International Journal of Archaeology*, 1(1), 6-12.

Shaikh Baikloo Islam, B. (2020). Holocene climatic events in Iran. *Climate Change Research*, 1(4), 35-48.

کردوانی، پرویز (۱۳۵۸). جغرافیای آبها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کرینسلی، دانیل (۱۳۸۱). کویرهای ایران و خصوصیات ژئومورفولوژیکی و پالتوکلیماتولوژی آن. (عباس پاشائی، مترجم). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

لباف خانیکی، میثم (۱۴۰۳). باستان‌شناسی ایران ساسانی. تهران: سمت.

محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷). باستان‌شناسی و هنر اشکانی. تهران: سمت.

یوسفوند، نسیمه، سعیدی هرسینی، محمدرضا، فیروزمندی، بهمن (۱۴۰۳). بررسی نقش فناوری‌های پیشرفته در بازسازی تغییرات محیطی پیشین و الگوهای پراکنش محوطه‌های باستانی: نگاهی به دشت قم. باستان‌شناسی ایران، ۲(۱۴)، ۱۳-۲۷.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1201798>

یوسفی زشک، روح اهلل، و باقی زاده، سعید (۱۳۹۲). کاربرد سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) در تحلیل الگوی استقرار: مطالعه موردی محوطه های دشت درگز